

الزامات قانونگذار ایران پس از الحاق به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد

حیدر فرهمندفر دانشجوی کارشناسی ارشد

حقوق کیفری و جرم شناسی دانشکده علوم قضایی

تاریخ دریافت: ۸۸/۵/۸ تاریخ پذیرش: ۸۸/۶/۱۶

چکیده

یکی از اقدامات مؤثر بین المللی برای مقابله با فساد اداری و مالی، تصویب کنوانسیون مریدا (کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب سال ۲۰۰۳ سازمان ملل) است. این سند زمینه یک همکاری بین المللی برای مبارزه و پیشگیری از فساد را فراهم نموده است. تصویب این کنوانسیون توسط مقنن ایران در تاریخ ۱۳۸۷/۸/۲۰ الزاماتی را ایجاد نموده است، زیرا در این کنوانسیون جرم انگاری‌های جدیدی صورت پذیرفته و به دولت‌های عضو تکلیف شده است. تطبیق جرایم جدید بررسی شده در کنوانسیون با حقوق کیفری ایران نشان می‌دهد که یا اصلاً جرمی با این عنوان در قانون کیفری ایران وجود ندارد یا تحت عنوان دیگری، جرم‌انگاری شده است و یا قانون کیفری ایران قسمتی از آن جرم را و نه به طور کامل مورد توجه قرار داده است، که در هر سه مورد الزام مقنن ایران به جرم‌انگاری این اعمال با موازین فقهی و قانون اساسی مغایرتی نخواهد داشت. مقنن با تصویب این جرایم ضمن اینکه قوانین داخلی در ارتباط با مبارزه با فساد اداری و مالی را تکمیل خواهد کرد، در همکاری بین المللی مبارزه با فساد نیز مشارکت خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها:

کنوانسیون مریدا، مبارزه با فساد اداری و مالی، الزمات ناشی از تصویب، جرم انگاری.

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران اخیراً به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (که از این پس مریدا می‌نامیم) پیوسته است. اگر چه این اقدام در جای خود مثبت بوده است، اما اصولاً در پیوستن به یک کنوانسیون یا معاهده آنچه بیش از همه اهمیت پیدا می‌کند، فراهم کردن زمینه اجرای مفاد آن کنوانسیون است که در واقع تعهدات بین المللی دولت‌ها محسوب می‌شود.

از آنجا که تصویب کنوانسیون مریدا نشانگر عزم بین المللی برای پیشگیری در مقابله با فساد اداری و مالی است، در این کنوانسیون جرم انگاری‌هایی صورت پذیرفته و به دولت‌های عضو تکلیف شده است که بعضاً آنها در قوانین جزایی ایران وجود ندارند و ضرورت پرداختن به آن بیش از پیش احساس می‌شود، همچنین باید اضافه نمود که موضوع مقابله با فساد، دیگر تنها یک مسئله داخلی برای دولت‌ها نیست بلکه جنبه فراملی به خود گرفته است. در همین زمینه ولفنسون^۱ رئیس سابق بانک جهانی، در اجتماع سالیانه بانک جهانی در سال ۱۹۹۶ بیان نمود که: «فساد نوعی سرطان است که از کشوری به کشور دیگر سرایت می‌کند و این مردم هستند که می‌خواهند ما در این باره کاری بکنیم و آنها می‌دانند که ارتشا منابع ثروت را از فقرا به توانگران منتقل می‌کند و کار داد و ستد را مشکل می‌سازد، از توسعه عمومی جلوگیری و سرمایه گذاری خارجی را از کشور دور می‌کند و همچنین می‌دانند که کمک‌های بشردوستانه و ثبات را نیز از کشور دور می‌کند و پیداست که این سد بزرگی برای یک توسعه‌ای متعادل و صحیح است، پس جنوب و شرق و غرب باید هدف‌های اصلی اتحاد جهانی علیه فساد باشد». بنابراین فساد مالی یک موضوع داخلی نیست بلکه پدیده‌ای است فراملی که بر تمامی جوامع و نظام‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد و یک عزم بین المللی برای مقابله با آن لازم است. کنوانسیون

1. Wolfson.

مریدا نیز در راستای این همکاری بین المللی برای مبارزه مؤثر با فساد به تصویب دولت‌ها رسیده است. هدف از این تحقیق، بررسی الزامات قانونگذار ایران در زمینه جرم انگاری‌های مربوط در کنوانسیون با توجه به قانون اساسی و سیاست تقنینی و فقهی ایران است. در این مقاله سعی می‌شود که مقررات و قوانین موجود در قانون کیفری ایران با مواد کنوانسیون تطبیق داده شده و مواردی را که سابقه تقنین در ایران ندارد مشخص گردد.

آشنایی با کنوانسیون مریدا و جرایم جدید مطرح شده در آن

قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون مریدا در جلسه علنی خرداد ماه سال ۱۳۸۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و مجمع تشخیص مصلحت نظام، پس از اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی در مورد خلاف موازین شرع بودن موادی از کنوانسیون از جمله مواد ۴۲ تا ۵۷، در اجرای اصل ۱۱۲ قانون اساسی در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲۰، تصویب آن را موافق با مصلحت نظام تشخیص داد. علت نامگذاری کنوانسیون به مریدا این است که در شهر مریدای مکزیک برای امضای دولت‌ها رسماً ارائه و مفتوح گردید. این کنوانسیون به طور مستقیم با جرایم اقتصادی مرتبط است و هدف اساسی آن مبارزه با فساد اداری و مالی است و بر عهده همه کشورهای عضو خواهد بود.

در مقدمه این کنوانسیون آمده است که موضوع پیشگیری و از بین بردن فساد مسؤولیت تمامی دولت‌هاست و آنها باید با یکدیگر و با افراد در گروه‌های خارج از بخش دولتی مثل جامعه مدنی، سازمان‌های غیر دولتی و سازمان‌های جامعه مدار برای مقابله با فساد همکاری مؤثر داشته باشند. این کنوانسیون به دنبال نگرانی‌هایی که در سطح بین الملل در مورد فساد شیوع آن وجود داشت شکل گرفت و هدف اساسی آن یک همکاری فراملی و بین الدولی برای مبارزه پایدار با چنین پدیده مخربی بود. کنوانسیون مریدا در یک مقدمه، ۷ فصل و ۷۱ ماده تنظیم شده است و در ۱۱ ماده از این کنوانسیون جرم انگاری صورت گرفته است. از این ۱۱ جرم نامبرده در کنوانسیون در ۵ مورد آن یا اصلاً در قانون کیفری ایران چنین جرمی وجود ندارد یا قسمتی از آن، مورد جرم انگاری قرار گرفته است.

جرایم جدید مطرح شده در کنوانسیون به قرار ذیل است:

۱- ارتشای مقامات دولتی خارجی و مقام‌های سازمان‌های عمومی بین‌المللی

ماده ۱۶ کنوانسیون در دو بند تنظیم شده است. بند اول این ماده که در مورد دادن رشوه به مقام‌های دولتی خارجی و مقام‌های سازمان‌های عمومی بین‌المللی است مقرر می‌دارد: «هر کشور عضو، قوانین و سایر اقدامات ضروری را اتخاذ خواهد نمود تا وعده، ارائه یا دادن یک امتیاز بی مورد به یک مقام دولتی خارجی یا مقام سازمان عمومی بین‌المللی برای خود آن مقام یا هر شخص یا واحد دیگر برای اینکه آن مقام در انجام وظایف رسمی خود عملی را انجام دهد یا از انجام آن اجتناب ورزد یا برای اینکه کسب و کاری را به دست آورد یا حفظ کند یا سایر امتیازهای بی مورد در ارتباط با رفتار تجارت بین‌الملل، در صورتی که عامدانه ارتکاب یابد، جرم تلقی گردد» بنابراین در این قسمت از ماده، رشوه دادن به مقام‌های دولتی خارجی یا سازمان ملل‌های عمومی بین‌المللی، جرم‌انگاری شده است.

در کنوانسیون در تعریف مقام دولتی خارجی آمده است، «به هر شخصی اطلاق می‌شود که شغل قانونگذاری، اجرایی، اداری یا قضایی یک کشور خارجی را اعم انتخابی یا انتصابی بر عهده دارد و هر شخصی که یک شغل دولتی را برای یک کشور خارجی از جمله یک نهاد یا مؤسسه دولتی انجام می‌دهد» و همچنین «مقام یک سازمان عمومی بین‌المللی به کارمند بین‌المللی یا هر شخصی اطلاق می‌شود که توسط چنین سازمانی مجاز است از طرف آن سازمان اقدام نماید.» رفتار فیزیکی در مورد این جرم وعده یا دادن یک امتیاز بی مورد است و این امتیاز ممکن است مالی یا غیر مالی باشد. به نظر می‌رسد کنوانسیون رویکرد سختگیرانه‌ای نسبت به دادن رشوه به مقامات دولتی خارجی یا سازمان‌های عمومی بین‌المللی اتخاذ نموده است چرا که حتی دادن وعده یک امتیاز را نیز رکن مادی این جرم قرار داده است. به هر حال دادن رشوه باید برای انجام یا عدم انجام کاری باشد که در حیطه وظایف رسمی این مقامات قرار دارد یا برای اینکه کسب و کاری را به دست آورد یا حفظ کند یا در ارتباط با امور تجارت بین‌المللی باشد. (بهرمند، جلالی ۱۳۸۵: ۱۰۲).

بند دوم این ماده که در مورد ارتشای مقامات دولتی خارجی یا مقامات سازمان‌های عمومی بین‌المللی است مقرر می‌دارد: «هر کشور عضو، اتخاذ قوانین و سایر اقدامات ضروری را مورد بررسی قرار خواهد داد تا در خواست یا قبول امتیاز بی مورد توسط یک مقام دولتی خارجی یا مقام سازمان عمومی بین‌المللی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم برای خود آن مقام یا هر شخص یا واحد دیگر برای اینکه آن مقام در انجام وظایف رسمی خود عملی را انجام دهد یا از انجام آن اجتناب ورزد، در صورتی که به صورت عمدی ارتکاب یابد، جرم تلقی گردد» این بند از ماده ارتشا درباره این مقامات جرم‌انگاری کرده است. رویکرد سختگیرانه کنوانسیون در این جرم نیز مشهود است چرا که برخلاف قانون کیفری ایران که تنها اخذ یا گرفتن را ارتشاء می‌داند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲: ۳۲۸)، در این ماده، در خواست امتیاز از طرف مقامات مربوطه نیز رکن مادی این جرم محسوب می‌شود.

در این مورد نیز امتیاز اعم از مالی و غیر مالی است. در خواست یا قبول امتیاز از طرف مقامات دولتی خارجی یا سازمان‌های عمومی بین‌المللی می‌تواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم برای خود آن مقامات یا هر شخص یا واحد دیگر باشد. همانند مورد قبل، در مورد این جرم نیز در خواست یا قبول امتیاز باید به منظور انجام یا عدم انجام کاری باشد که در حیطه وظایف رسمی آنها قرار دارد. بدیهی است بنا بر تصریح این ماده هر دو جرم باید به صورت عمدی ارتکاب یابند.

۲- رشا و ارتشا در بخش خصوصی

ماده ۲۱ کنوانسیون در دو بند ارائه شده است، بند اول که در مورد رشا (رشوه دادن) در بخش خصوصی است بیان می‌کند: «هر کشور عضو، اتخاذ قوانین و سایر اقدامات مقتضی را مد نظر قرار خواهد داد تا موارد زیر در صورتی که به صورت عمدی در خلال فعالیت‌های اقتصادی مالی یا بازرگانی ارتکاب یافته باشد، جرم کیفری تلقی شود:

الف- وعده، ارائه یا دادن مستقیم یا غیر مستقیم امتیاز بی مورد به هر شخص که در هر جایگاهی برای بخش خصوصی فعالیت می‌کند یا آن را اداره می‌نماید، برای خود آن شخص

یا شخص دیگر برای اینکه وی با زیر پا گذاشتن وظایف خود، عملی را انجام دهد یا از انجام آن خودداری نماید.» نوآوری دیگر کنوانسیون پرداخت رشوه در بخش خصوصی است. البته در بسیاری از کشورها رشا و ارتشا در بخش خصوصی جرم‌انگاری شده حتی در قانون جزای مصر هم رشوه در بخش خصوصی ممنوع اعلام شده است، اما این کنوانسیون رویه قانونگذاری دولت‌ها را به یک اصل جهانی تبدیل کرده است، زیرا دنیا امروزه به سمت خصوصی سازی اقتصادی یا فعال کردن بخش خصوصی گام برداشته است و در بسیاری از کشورها بیش از ۳/۴ فعالیت‌های اقتصادی داخلی و بین‌المللی را بخش خصوصی انجام می‌دهد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۴: ۲۵۵۲).

رکن مادی این جرم، وعده، ارائه یا دادن مستقیم یا غیر مستقیم امتیاز اعم از مالی یا غیر مالی به اشخاصی است که در بخش خصوصی فعالیت می‌کنند یا آن را اداره می‌نمایند، چه آن امتیاز برای خود این افراد باشد یا اشخاص دیگر. در مورد این جرم نیز ارتکاب این اعمال باید در جهت انجام یا خودداری از انجام وظایفی باشد که در حیطه مسؤولیت این افراد قرار دارد. بند دوم این ماده درباره ارتشا در بخش خصوصی است و مقرر می‌دارد: «در خواست یا قبول مستقیم یا غیر مستقیم امتیاز بی‌مورد توسط هر شخص که در هر جایگاهی برای بخش خصوصی فعالیت می‌کند یا آن را اداره می‌نماید، برای خود آن شخص یا شخص دیگر برای اینکه وی با زیر پا گذاشتن وظایف خود، عملی را انجام دهد یا از انجام آن خودداری نماید.» این بند «ارتشای کارمندان و مدیران بخش خصوصی را جرم تلقی کرده است و این از این روست که جامعه باید بتواند بر صحت عمل کارکنان بخش دولتی و خصوصی اعتماد نماید و نباید تصور کرد که فقط فساد کارکنان بخش دولتی زیانبار است. (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲: ۳۷۴) رفتار فیزیکی در این جرم در خواست یا قبول مستقیم یا غیر مستقیم امتیاز اعم از مالی یا غیر مالی از طرف کارمندان یا مدیران بخش خصوصی است، در خواست یا قبول امتیاز باید در جهت انجام یا عدم انجام عملی باشد که در حیطه وظایف کارمند یا مدیر بخش خصوصی قرار دارد. همچنین باید اضافه نمود که هر دو جرم مشمول این ماده، باید به صورت عمدی ارتکاب یابند.

۳- اختلاس اموال در بخش خصوصی

ماده ۲۲ کنوانسیون، اختلاس در بخش خصوصی را جرم انگاری نموده و مقرر می‌دارد: «هر کشور عضو، اتخاذ قوانین و سایر اقدامات مقتضی را مد نظر قرار خواهد داد تا ارتکاب اختلاس در حین فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا بازرگانی توسط شخصی که در هر جایگاهی در بخش خصوصی فعالیت می‌کند یا آن را اداره می‌نماید، از هر مالی، وجوه خصوصی یا اوراق بهادار یا هر چیز با ارزش که به موجب جایگاه شغلی وی، به او واگذار شده است، در صورتی که به صورت عمدی ارتکاب یابد، به عنوان جرم کیفری تلقی گردد.»

اختلاس در لغت به معنی، ربودن، جدا کردن و برداشتن چیزی از روی چیز دیگر است (فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۶۵: ۱۱۴). اختلاس در بخش خصوصی شامل هر گونه برداشت یا تصاحب اموال، وجوه اوراق بهادار یا هر چیز با ارزش است که به کارمندان یا مدیران بخش خصوصی سپرده شده است.

در مورد این جرم چند نکته حائز اهمیت است:

الف- مرتکب باید از کارمندان یا مدیران بخش خصوصی باشد و اشخاص دیگر از موضوع این جرم خارج هستند.

ب- «اموال مذکور در ماده بر حسب وظیفه و جایگاه شخصی این افراد در اختیار آنها قرار گرفته باشد. بنابراین چنانچه مال بر خلاف مقررات قانونی یا نظامات اداری به این اشخاص تسلیم گردد، تصاحب آن موجب جرم اختلاس خواهد شد» (میر محمد صادقی، ۱۳۸۲: ۱۸۲).

ج- مرتکب باید اموال مذکور در ماده را به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب کند، یعنی اینکه آن‌ها را از آن خود یا دیگری انگاشته و در مایملک خود یا دیگری وارد نماید (همان).

همچنین با توجه به ذیل ماده، این جرم از لحاظ عنصر معنوی، عمدی است.

۴- اختفای اموال ناشی از جرم

ماده ۲۴ کنوانسیون، اختفای اموال به دست آمده از جرایم مندرج در کنوانسیون را مطرح نموده و بیان می‌کند: «هر کشور عضو، بدون خدشه آمدن به مفاد ماده (۲۳) این کنوانسیون، اتخاذ قوانین و سایر اقدامات مقتضی را مد نظر قرار خواهد داد تا بعد از ارتکاب هر یک از جرایم احراز شده بر اساس این کنوانسیون و بدون اینکه شخص در چنین جرایمی شرکت داشته باشد، مخفی نمودن یا ادامه نگهداری اموالی که شخص دخیل می‌داند که چنین اموالی ناشی از جرایم احراز شده بر اساس این کنوانسیون می‌باشد، در صورتی که این امر عمداً صورت گرفته باشد، جرم کیفری تلقی گردد» مراد از اختفا، مخفی کردن و نگهداری مال در نزد مرتکب جرم و یا مخفی نمودن آن در جای امن دیگر است تا از کشف جرم جلوگیری به عمل آید (گلدوزیان، ۱۳۸۳: ۵۳۰) لازمه تحقق این جرم، ارتکاب قبلی جرایم مندرج در کنوانسیون است و رفتار فیزیکی آن نیز مخفی نمودن یا استمرار نگهداری اموال به دست آمده از جرایم مندرج در کنوانسیون است.

در این ماده آمده است که «شخص مرتکب بداند که اموال ناشی از جرایم مندرج در کنوانسیون می‌باشد» یعنی به صرف اینکه مرتکب که به تصریح ماده، شخصی غیر از مرتکب جرایم قبلی مندرج در کنوانسیون است به این امر عالم باشد که اموالی را که مخفی کرده یا در تصرف خود نگاهداشته از جرایم مندرج در کنوانسیون حاصل شده است، سوء نیت وی محرز است، مانند جرایم قبل در این ماده نیز تصریح شده است که این اعمال باید توسط مرتکب به صورت عمدی باشد.

۵- جرایم علیه عدالت قضایی

در ماده ۲۵ کنوانسیون، موانع اجرای عدالت قضایی جرم انگاری شده است. این ماده در دو بند ارائه شده و مقرر می‌دارد «هر کشور عضو، قوانین و سایر اقدامات مقتضی را اتخاذ خواهد نمود تا موارد زیر در صورتی که به صورت عمدی صورت گیرد، جرم کیفری تلقی گردد:

الف- استفاده از زور، تهدید یا ارباب یا وعده، ارائه یا دادن امتیازی بی مورد برای برانگیختن

شهادت دروغ یا دخالت در شهادت دادن یا ارائه مدارک و شواهد در دادرسی مربوط به ارتکاب جرایم احراز شده بر اساس این کنوانسیون». برای حاکمیت عدالت قضایی در جامعه لازم است اعمالی که مانع تحقق عدالت قضایی هستند، جرم تلقی شده مباحثان و معاونان این اعمال، مجازات شوند (کوشا، ۱۳۸۱: ۱۳)، به همین منظور کنوانسیون در این ماده به نحو مؤثری به مقابله با این موانع برخاسته است.

این جرم از لوازم تعقیب و محاکمه مفید و مؤثر فساد به طور کلی است و صرفاً فساد اقتصادی و مالی را مورد توجه قرار نمی‌دهد. جرم‌انگاری اعمالی که تعقیب و محاکمه جرایم اقتصادی را مشکل می‌سازد در جهت تسهیل و تقویت اقدامات پلیسی و قضایی علیه این جرایم است. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۴: ۲۵۵۴) رفتار فیزیکی در بند اول این ماده، شامل هر گونه تهدید و ارباب، وعده یا دادن امتیاز اعم از مالی و غیر مالی است، این اعمال باید به منظور برانگیختن شهادت دروغ یا مداخله در ادای شهادت یا ارائه مدارک و مستندات کذب در فرایند دادرسی صورت پذیرد. بدیهی است که اعمال مربوطه باید به صورت عمدی ارتکاب یابند.

بند دوم ماده، دیگر موانع اجرای عدالت را برشمرده و مقرر می‌دارد: «استفاده از زور، تهدید یا ارباب برای مداخله در اجرای وظایف رسمی یک مقام قضایی یا مجری قانون در ارتباط با ارتکاب جرایم احراز شده بر اساس کنوانسیون، هیچ چیز در این بند خدشه‌ای به حق کشورهای عضو برای وضع قوانینی که سایر مقام‌های دولتی را مورد محافظت قرار می‌دهد، وارد نمی‌آورد» این بند هر گونه فشار و تهدید بر مقامات قضایی و مجری قانون را مد نظر قرار داده است. به دلیل اینکه تمام کسانی که در یک پرونده کیفری نقش دارند اعم از اشخاص قضایی یا مجری قانون باید با آرامش خاطر و بدون هیچ تهدید یا اربابی به وظیفه خود مشغول باشند (کوشا، ۱۳۸۱: ۴۹). رفتار فیزیکی در این جرم استفاده از هر گونه زور، تهدید یا ارباب است و اشخاص مورد حمایت در این جرم نیز مقامات قضایی و مجریان قانون هستند که بر اساس وظیفه رسمی خود در ارتباط با جرایم مندرج در کنوانسیون فعالیت می‌کنند همچنین اعمال زور و تهدید باید به صورت عمدی در جهت مداخله در اجرای وظایف رسمی مقامات قضایی و مجری قانون صورت پذیرد. در ذیل ماده حق دولت‌های عضو کنوانسیون برای وضع قانون در راستای

حمایت از سایر مقامات دولتی به رسمیت شناخته شده است.

تطبیق جرایم جدید بررسی شده در کنوانسیون با قانون کیفری ایران

۱- ارتشای مقام‌های دولتی خارجی و مقام‌های سازمان‌های عمومی بین‌المللی:

در ایران تا قبل از تصویب قانون ممنوعیت اخذ پورسانت^۱ در تاریخ ۸۲/۴/۲۷، اخذ پورسانت در معاملات خارجی بعضاً برای شرکت‌های فروشنده و خریدار معمول بوده است و خلاف قانون تلقی نمی‌شده است، ولی پس از لایحه‌ای که دولت به مجلس فرستاد و ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی به صورت قانون در آمد، گرفتن پورسانت ممنوع اعلام شد، به دلیل اینکه گرفتن پورسانت ممکن بود به ضرر دولت تمام شود و دولت برای حفظ منافع خود ناچار شد این عمل را ممنوع اعلام نماید.

ماده مربوطه در قانون اخذ پورسانت به نحو دیگری در سال ۱۳۷۵ در ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی بیان شده است و این ماده هر گونه اخذ پورسانت در معاملات داخلی و خارجی را جرم دانسته است (زراعت، ۱۳۸۴: ۶۲۳)، اما باید گفت که کنوانسیون مریدا با وضع ماده ۱۶ بر این روند مبارزه با ارتشای بین‌المللی صحنه گذاشته است. به عبارت دیگر در ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی تنها اخذ پورسانت از طرف یک مقام دولتی داخلی جرم اعلام شده است، اما در ماده ۱۶ کنوانسیون به نحو جامع و کامل رشا (رشوه دادن) به مقام‌های دولتی خارجی و سازمان‌های عمومی بین‌المللی و هم ارتشا (رشوه گرفتن) این مقامات جرم انگاری شده است (نجفی ابرند آبادی ۱۳۸۵: ۲۳۴۳) و دلایل آن عبارتند از:

الف- این امر رقابت سالم بین‌المللی را خدشه دار نموده و به علاوه باعث مغبون شدن کشورهای پرهیزگار و متقی می‌گردد.

ب- جهانی شدن اقتصاد در سال‌های اخیر و اینکه سرنوشت دولت‌ها و شرکت‌ها امروزه

۱. قبول هر گونه پورسانت از قبیل وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال تحت هر عنوان به طور مستقیم یا غیر مستقیم در رابطه با معاملات خارجی قوای سه گانه، سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی، نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی، شهرداری‌ها علیه تشکیلات وابسته به آنها ممنوع است و مرتکب علاوه بر رد پورسانت به حبس تعزیری از دو تا پنج سال و جزای نقدی برای آن محکوم می‌شود.

محدود به سطح ملی و داخلی نیست و دولت‌هایی موفقتر هستند که در امر صادرات و ارز آوری و رقابت بین‌المللی بهتر عمل می‌کنند، ولی کمیسیون یا پورسانت این جهانی شدن اقتصاد را مخدوش و نابرابر می‌کند (همان)، لذا برای جلوگیری و مبارزه با این نابرابری‌های اقتصادی و در راستای سالم‌سازی روابط اقتصادی بین‌المللی، رشا و ارتشای بین‌المللی جرم‌انگاری شده است. با این توضیحات آشکار است که در حقیقت ماده ۱۶ کنوانسیون ماده ۶۰۳ ق.م. را تکمیل می‌کند و اگر یکی از جهات اصلی برای جرم‌انگاری اخذ پورسانت در ماده ۶۰۳، ق.م. ۱۰ «این بوده است که دولت از این امر متضرر خواهد شد»، در ماده ۱۶ کنوانسیون نیز دولت از عمل مرتکبان این اعمال متضرر می‌گردد و همچنین چون ارتشای مقامات خارجی در عرصه معاملات خارجی یک معادله نابرابر و غیر عادلانه را در پی خواهد داشت و چهره دولت ایران را نیز در عرصه بین‌المللی مخدوش خواهد نمود، جرم‌انگاری اعمال مربوطه در ماده ۱۶ کنوانسیون مریدا توسط مقنن ایران در جهت اجرای تکالیف خود به موجب پیوستن به این کنوانسیون، نه تنها با مشکلی مواجه نخواهد شد بلکه مقنن ایران با تصویب این ماده و اضافه کردن آن به قانون کیفری داخلی روند مبارزه با ارتشای بین‌المللی که در ماده ۶۰۳ ق.م. ۱۰ پیش‌بینی شده است را کامل خواهد نمود.

۲- رشا و ارتشا در بخش خصوصی:

ماده ۲۱ کنوانسیون، کشورهای عضو را دلالت نموده است که وعده، ارائه یا دادن مستقیم یا غیر مستقیم امتیازی بی‌مورد به هر شخص، یا در خواست و قبول مستقیم و غیر مستقیم امتیازی بی‌مورد توسط شخصی که در هر جایگاهی برای بخش خصوصی فعالیت یا آن را اداره می‌کند، در صورتی که در خلال فعالیت‌های اقتصادی مالی یا بازرگانی ارتکاب یابد، را جرم تلقی کنند و این موضوع به عنوان رشا و ارتشا در بخش خصوصی تلقی شده است، در حالی که در قانون کیفری ایران شرط تحقق ارتشا این است که مرتشی، کارمند دولت (به معنای اعم شامل کارکنان سه قوه) و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت و شهرداری‌ها و بانک‌ها باشد و در صورت عدم حصول این شرط جرم ارتشا محقق نمی‌شود.

نه تنها در کنوانسیون بلکه در بسیاری از کشورها ارتشا به بخش خصوصی نیز تسری داده شده است، زیرا بر خلاف گذشته بخش خصوصی امروزه وظایفی را بر عهده گرفته که در گذشته در انحصار بخش دولتی بودهاست، لذا ماهیت این فعالیتها تغییر یافته و جرمی همچون ارتشا در چنین بسترهایی نیز ممکن است به وقوع بپیوندد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۴: ۲۵۵۲).

کنوانسیون مریدا پرداخت رشوه در بخش خصوصی را هم جرم انگاری نموده به دلیل اینکه با نظم عمومی مرتبط است و وقوع و شیوع چنین جرایمی تبعاتی شایان توجه به دنبال خواهد داشت. در مورد عدم سرایت جرم ارتشا به بخش خصوصی گاهی گفته می‌شود که خطر رشوه خواری از سوی یک کارمند بخش دولتی با توجه به اینکه کار وی به بخش عظیمی از مردم مرتبط است، بسیار بیش از خطر انجام این کار از سوی یک کارمند بخش خصوصی است و در صورت تسری دادن این جرم به بخش خصوصی از اهمیت نمادین آن کاسته خواهد شد، اما در پاسخ به این سؤال باید گفت که امروزه تفکیک بین بخش خصوصی و دولتی چندان روشن نیست و بسیاری از وظایفی را که به طور سنتی دولت‌ها متصدی انجام آن بودند به بخش خصوصی واگذار شده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲: ۳۷۳)، از اموری مثل تأمین آب و برق و گاز و تلفن که بگذریم، حتی در برخی از کشورها انجام اموری مثل اداره زندان نیز به عهده بخش خصوصی است. گاهی نیز در کار واحدی، هم بخش دولتی و هم بخش خصوصی و دولتی فعالیت دارند. حال بر اساس چه استدلال معقولی می‌توان رشوه خواری را در مورد کارکنان زندان‌های تحت نظر بخش دولتی ارتشا محسوب کرد ولی این کار را در مورد کارکنان زندان‌های بخش خصوصی جرم ندانست؟ راه حل این قضیه آن است که باید این جرم را شامل تمام کسانی دانست که به انجام یک وظیفه عمومی می‌پردازند، اعم از اینکه در بخش دولتی یا خصوصی مشغول فعالیت باشند (همان). معمولاً در دفاع از عدم شمول مقررات مربوط به رشوه به کارکنان بخش خصوصی گفته می‌شود که این امر ضرر کمتری را به جامعه وارد می‌کند، ولی با توجه به وظایف بخش خصوصی که امروزه متحول شده‌اند این سخن قابل تردید است. بدین ترتیب می‌توان به طور خلاصه اظهار داشت که باید مقررات راجع به رشوه خواری و نیز اخذ وجوه غیر قانونی را به همه کسانی که وظایفی را چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی

بر عهده دارند، اعمال نمود و سپس این موضوع را بر عهده قاضی گذاشت که در تعیین مجازات، عندالاقضا سمت و مقام شخص را مدنظر قرار دهد، یا اینکه سمت دولتی فرد در خود قانون به عنوان یک عامل مشدده محسوب گردد آنچنان که ماده ۱۳۶۷ (در مورد کلاهبرداری که جزء کارکنان دولت هستند، چنین کرده است (پیشین) بنابراین مشخص شد که مقنن با تصویب چنین جرمی و تسری حکم رشا و ارتشا به کارمندان بخش خصوصی که وظایف عمومی را بر عهده دارند، در حقیقت در تکمیل مقررات داخلی قدم نهاده است.

۳- اختلاس اموال در بخش خصوصی:

ماده ۲۲ کنوانسیون، کشورهای عضو را دلالت نموده که قانونی وضع کنند تا بر اساس آن چنانچه در هنگام فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا بازرگانی، شخصی که در هر جایگاهی در بخش خصوصی فعالیت می‌کند یا آن را اداره می‌نماید، مال، وجوه خصوصی، اوراق بهادار یا هر چیز با ارزش دیگری را که به موجب جایگاه شغلی به او واگذار شده اختلاس نماید، عمل وی جرم تلقی شود. در این ماده، اختلاس اموال در بخش خصوصی جرم‌انگاری شده است. این در حالی است که در مقررات داخلی، بویژه ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، یکی از شروط تحقق جرم اختلاس این است که مرتکب از کارکنان دولت باشد.

بنابراین کارمندان بخش خصوصی نمی‌توانند مرتکب اختلاس شوند اما با توجه به تعریف جرم خیانت در امانت «فعل مثبت امین در مال مورد امانت به یکی صور قانونی به ضرر مالک» (حبیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۶۳) در حقوق کیفری ایران در صورت عدم تحقق شرط کارمند دولت بودن، چنانچه عمل تصاحب نسبت به اموال سپرده شده نزد اشخاص عادی صورت پذیرد، با حصول شرایط عنوان جزایی خیانت در امانت بر آن صدق می‌کند و با ماده ۶۷۴ ق.م.ا. منطبق است. بنابراین مقنن ایران تنها اختلاس کارمندان دولت را جرم و قابل مجازات دانسته است، که این امر همان طور که در مورد جرم ارتشا در بخش دولتی گفته شد با توجه به وظایف گسترده و مهمی که بخش خصوصی امروزه متولی آن شده است چندان قابل دفاع نیست، چه

بسا اختلاس در بخش خصوصی، جامعه را به مراتب بیشتر از اختلاس در بخش دولتی متضرر نماید، اما از آنجا که در قانون کیفری ایران شرط تحقق جرم خیانت در امانت در ماده ۶۷۴ ق.م.ا. ۱ سمت دولتی نیست و تنها یکی از ۱۰۹ شرط تحقق جرم اختلاس است، لذا مرتکبان اعمال ماده ۲۲ کنوانسیون، با حصول شرایط به اتهام جرم خیانت در امانت تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. باین توصیف، جرم ماده ۲۲ کنوانسیون، در قانون کیفری ایران تحت عنوان دیگری قابل تعقیب و مجازات است و این ماده در قانون کیفری ایران قابل تطبیق با جرم خیانت در امانت است.

۴- اختفای اموال:

ماده ۲۴ کنوانسیون، اختفای اموال و وجوه حاصل از جرایم مندرج در کنوانسیون را جرم انگاری نموده است و شامل هر گونه مخفی نمودن و نگهداری اموال و وجوه حاصل از جرایم مندرج در کنوانسیون است. با وجود این در قانون کیفری ایران اختفای اموال حاصل از سرقت جرم است و در مورد سایر جرایم چنین جرمی پیش‌بینی نشده است (زراعت، ۱۳۸۴: ۷۲۳). در ماده ۶۶۲ ق.م.ا. ۱ نیز تنها اموال حاصل از سرقت جرم دانسته شده است، این در حالی است که یکی از دلایلی که مبنای جرم انگاری ماده ۶۶۲ ق.م.ا. ۱ شده است جلوگیری از تصرف نامشروع اشخاص است که باعث صدمه به زیان دیدگان و جامعه می‌گردد که این امر در اختفای اموال حاصل از دیگر جرایم نیز وجود دارد و با توجه به اصل چهل و هفتم قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند» و همچنین قواعد فقهی همچون قاعده تسلیط و منع دارا شدن بلا جهت مقنن باید اختفای اموال حاصل از دیگر جرایم را هم جرم انگاری نماید. مقنن ایران در اجرای تکلیف خود در زمینه جرم انگاری جرایم جدید موجود در کنوانسیون برای مبارزه مؤثر با فساد باید اختفای اموال حاصل از این جرایم را نیز وارد قانون کیفری ایران نماید. بدیهی است با توجه به قانون اساسی و مبانی شرعی این امر با مانعی روبرو نیست.

۵- جرایم علیه عدالت قضایی:

ماده ۲۵ کنوانسیون در دو بند، موانع اجرای عدالت را جرم انگاری نموده است. بند اول ماده هر گونه تهدید یا وعده، ارائه یا دادن امتیازی بی مورد برای برانگیختن شهادت دروغ یا مداخله در امر شهادت یا ارائه مدارک و شواهد کذب در دادرسی در ارتباط با جرایم مندرج در کنوانسیون را شامل می‌شود.

در تطبیق این بند با قانون کیفری ایران باید گفت که در ماده ۶۵۰ ق.م.ا.شهادت دروغ نزد مقامات رسمی جرم انگاری شده است، اما در مورد تهدید و اکراه دیگری به ادای شهادت دروغ بر طبق ماده ۵۴ ق.م.ا. کسی که شاهد را مجبور به ادای شهادت کذب نموده باشد به مجازات شهادت کذب محکوم خواهد شد و همچنین در مورد برانگیختن شخص به ادای شهادت کذب یا وعده یا دادن امتیاز به وی برای چنین کاری می‌توان با حصول شرایط به قواعد عام مانند معاونت رجوع کرد، اما کنوانسیون مریدا در زمینه مبارزه با فساد شدت عمل به خرج داده است و در بند اول این ماده کلیه اعمال مادی جرم به صورت مطلق و بدون نیاز به رکن نتیجه مقرر شده‌اند، این در صورتی است که در قانون کیفری ایران توسل به قواعد عام مانند معاونت و اکراه در شهادت کذب زمانی ممکن است که ادای شهادت کذب صورت پذیرفته باشد و به عبارت دیگر مقید به وقوع جرم شهادت کذب هستند، از این رو ارتکاب اعمال مندرج در بند اول ماده ۲۵ کنوانسیون در حقوق کیفری ایران به صورت مطلق محکومیتی در پی نخواهد داشت. بنابراین مقنن ایران در راستای تکالیف خود ناشی از الحاق به کنوانسیون و هماهنگی بین المللی و مبارزه مؤثر با موانع اجرای عدالت قضایی بهتر است که تحت عنوانی خاص، موانع برشمردن در این بند را جرم انگاری نماید تا راه هر گونه فرار مرتکبان این اعمال از مسؤولیت کیفری بسته شود.

بند دوم ماده ۲۵، استفاده از زور، ارعاب و تهدید را برای مداخله در اجرای وظایف رسمی یک مقام قضایی یا مجری قانون، جرم انگاری نموده است. در قوانین جزایی ایران، در خصوص تهدید یا ارعاب در مورد این افراد ماده خاصی وجود ندارد، لذا باید به مواد عام مربوط به تهدید و اکراه مراجعه کرد (کوشا، ۱۳۸۱: ۴۹)، در این مورد می‌توان به مواد ۶۶۸ و ۶۶۱ ق.م.ا. اشاره

نمود ماده ۶۶۸ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «هر کس با جبر و قهر یا با اکراه و تهدید دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا مهر نماید و یا سند یا نوشته‌ای که متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد به حبس از سه ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». مطابق این ماده چنانچه کسی مأمور قضایی یا مجری قانون را تهدید نماید و او را ملزم به انجام کاری نماید، به مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

همچنین ماده ۶۶۹ ق.م.ا که در مورد تهدید به قتل است، می‌تواند منطبق بر تهدید مقامات قضایی یا اجرای قانون باشد. همانگونه که ذکر شد در راستای اجرای عدالت قضایی و در ارتباط با جرایم مندرج در کنوانسیون، مقنن ایران بهتر است که بند دوم این ماده را به نحو خاص جرم انگاری نماید تا بتوان علاوه بر هماهنگی با کنوانسیون و دیگر دولت‌های عضو به شکلی مؤثر به مبارزه با جرایم علیه عدالت قضایی همت گمارد. بنابراین این ماده از کنوانسیون، قانون کیفری ایران را در مبارزه علیه جرایم مخل عدالت قضایی کاملتر خواهد کرد و با اصول قانون اساسی و مبانی فقهی نیز مغایرتی نخواهد داشت، چرا که هدف حقوق کیفری و قانون کیفری در هر جامعه‌ای اجرای عدالت است، پس لازمه آن این است که با هر عملی که در اجرای عدالت مانع ایجاد می‌کند، مقابله شود که یکی از این اقدامات، جرم‌انگاری این اعمال است.

نتیجه‌گیری

یک کنوانسیون در زمینه تعیین جرایم الگویی محسوب می‌شود ولی به تعریف جرایم یا تعیین مجازات نمی‌پردازد، به دلیل اینکه تعیین مجازات امری ملی است و به حاکمیت کشورها مربوط می‌شود. جرم انگاری در کنوانسیون در جهت ارتقای همکاری و هماهنگی دولت‌ها در راستای مبارزه با جرایم مطرح شده است. به هر حال بعد از اتخاذ تصمیم در مورد پیوستن به اساسنامه کنوانسیون، ایجاد زمینه‌های اجرای مفاد کنوانسیون از اهمیت بسزایی برخوردار است، زیرا پس از تصویب، دولت‌های عضو ملزم به ایجاد زمینه‌های لازم برای اجرایی کردن مفاد آن خواهند بود. با پیوستن دولت ایران به کنوانسیون مریدا

تکالیفی بر عهده مقنن ایران قرار گرفته است و یکی از این تکالیف جرم انگاری اعمالی است که در اساسنامه کنوانسیون به عنوان جرم کیفری آمده است و هنوز در قانون کیفری ایران جرم انگاری نشده است.

در بررسی و تطبیق جرایم جدید مطرح شده در کنوانسیون با قانون کیفری ایران، مشخص شد که یا چنین جرمی در قوانین ایران وجود ندارد و یا قسمتی از آن مشمول جرم انگاری قرار گرفته است، که در هر صورت برای مبارزه مؤثر با پدیده فساد در تمام اشکال آن لازم است که در سیاست جنایی ایران این تحولات صورت گیرد و این در حالی است که لایحه جدید قانون مجازات اسلامی در مجلس تحت بررسی است و شایسته است که با توجه به کنوانسیون، جرم انگاری‌های جدیدی در آن لحاظ شود تا بتواند پاسخگوی نیاز جامعه برای مقابله با فساد مالی و اداری و همکاری‌های بین‌المللی باشد و جرم انگاری‌های جدید نه تنها مغایرتی با قانون اساسی و مبانی فقهی ندارد، بلکه قوانین کیفری ایران را در رابطه با جرایم فساد مالی و اداری تکمیل خواهد نمود.

منابع

۱. برنامه جهانی مبارزه با فساد اداری و مالی، سازمان ملل متحد، ترجمه بهرمند، حمید و جلالی، امیر حسین (۱۳۸۵) - انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲. زراعت، عباس (۱۳۸۴) قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، چاپ اول، انتشارات ققنوس.
۳. حبیب‌زاده، جعفر (۱۳۸۵) حقوق جزای اختصاص (جرایم علیه اموال) چاپ پنجم، انتشارات سمت.
۴. فرهنگ فارسی عمید، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۵، انتشارات امیرکبیر.
۵. کوشا، جعفر (۱۳۸۱) جرایم علیه عدالت قضایی - چاپ اول، نشر میزان.
۶. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۷) حقوق جزای اختصاصی، چاپ ششم، جهاد دانشگاهی.
۷. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۲) جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان.

۸. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۷) جرایم علیه اموال، نشر میزان.
۹. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۷) دادگاه کیفری بین المللی و مالکیت، نشر میزان، چاپ سوم.
۱۰. نجفی، علی حسین (۱۳۸۵) تقریرات درس کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی .